

متن پرسش

سلام علیکم: با احترام در برخی درس های شما از جمله شرح خطب نهج البلاغه نقل خاطره ای از حضرت امام رضوان الله تعالی علیه را شنیدم که با بیان ایشان اندکی متفاوت بود و آنچه ایشان درباره استادشان مرحوم میرزا علی اکبر حکیم نقل کرده اند، در نقل شما نسبت به مرحوم آیت الله العظمی شاه آبادی قدس سره الشریف و تاکید بر لطافت روحی بی نظیر ایشان آمده بود و گویا اینها دو ماجرای مختلف بوده اند. از آنجا که احتمال بود مجددا توسط حضرتعالی نقل شود صورت اصلی را به نقل از متن دروس تفسیر سوره حمد می آورم: «عمده نظر من به این است که حیف است یک دسته ای از اهل علم که مردم صالح و خوبی هستند، اینها محروم بمانند از یک مسائلی. ما که آمدیم قم، مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم - خدا رحمتش کند - در قم بود؛ وقتی که حوزه علمیه قم تأسیس شد، یکی از مقدسین- آن هم خدا رحمتش کند - گفته بود: «ببین اسلام به کجا رسیده است که در خانه آقا میرزا علی اکبر باز شد!». علما می رفتند آنجا درس می خواندند. مرحوم آقای خوانساری، مرحوم آقای اشراقی، این آقای خوانساری، اینها می رفتند پیش آقا میرزا علی اکبر درس می خواندند؛ آن آقا گفته بود که ببین اسلام به کجا رسیده است که در خانه میرزا علی اکبر باز شد! و حال آنکه خیلی مرد صالحی بود؛ و بعد از این که ایشان فوت شده بود، گوینده شان در منبر گفته بود که من خودم دیدم قرآن می خواند! مرحوم آقای شاه آبادی ناراحت شده بود از اینکه این آقا گفته است که من دیدم قرآن می خواند آقا میرزا علی اکبر.» تفسیر سوره حمد، ص: ۱۸۷

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور است که می فرمائید. از تذکر حضرت عالی کمال تشکر را دارم.
موفق باشید